

قوانین بر سنگ نوشته هیتها

یکی از اقوام خاورمیانه قدیم که اکنون از میانه رفته و در سرزمین هاتی **Hati** و در نجد مرکزی آناتولی اقامت داشته‌اند هیتها بودند که دارای اصل و منشأیی ناشناخته بوده و به یکی از شعبه‌های زبانهای هندو اروپایی سخن می‌گفتند. آنها در حدود سال ۱۹۰۰ پیش از میلاد به منطقه‌ای که به هاتی معروف شد حمله بردند و زبان، فرهنگ و تسلط خود را بر ساکنان نخستین، که به یک زبان غیر آریایی سخن می‌گفتند تحمیل کردند.

دولت هیتی در آسیای صغیر از سده هجدهم تا اوایل سده دوازدهم پیش از میلاد بر سر کار بود، و در سده‌های بیستم و نوزدهم پیش از میلاد، از شماری واحدهای سیاسی تشکیل یافت و میان آنها و مصر که دو دولت نیرومند در خاورمیانه بودند مبارزاتی بر سر برتری در سوری درگرفت و در اواخر سده سیزدهم و اوایل سده دوازدهم پیش از میلاد، اتحادیه‌یی از دولتهای مختلف مبارزه‌یی را علیه امپراتوری هیتی آغاز کردند. اختلاف داخلی، کناره‌گیری شماری از دولتهای مطیع هیتی و برخی عوامل درگیر منجر به سقوط امپراتوری هیتیایی شد.

در امپراتوری هیتیایی، بعضی از مناطق به وسیله استاندارانی اداره می‌شد که آنها را پادشاه تعیین می‌کرد و از آنها می‌خواست که برخی تعهدات اقتصادی و نظامی را به عهده بگیرند. نظام برده‌داری در میان آنها رواج داشت و بردگان درصد کمی از جمعیت را تشکیل می‌دادند. میان بردگان و افراد آزاد هیتیایی، طبقه متوسط قرار داشت، وجود این طبقه و همچنین انواع وابستگی‌های شبیه به برده‌داری، جامعه هیتیایی را از سایر جوامع برده‌دار مشرق زمین متمایز می‌ساخت. تا سده چهاردهم پیش از میلاد، قدرت شاهان به استبدادگرایی کشیده‌شد و پادشاه به صورت يك حاکم مطلق شرقی، که جنبه‌ی خدایی داشت، درآمد.

زبان هیتیایی که زبانی مرده است به خط میخی نوشته می‌شد و نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی توسط هوگو وینکلر winckler، آشورشناس آلمانی، بین سالهای ۱۹۰۶-۱۹۰۷ انجام گرفت و در این زمان اسناد بایگانی سلطنتی، شامل حدود ده‌هزار لوحه گل رس، از دل خاک بیرون آورده شد. همچنین بین سالهای ۱۹۱۱-۱۹۱۵ یک آشورشناس چک به نام هروزنی Hrozny راز زبان هیتیایی را اعلام داشت و آن را به شعبه زبانهای هندو اروپایی نسبت داد و اعلام داشت که این زبان پیش از زبانهای منشعب از هندواروپایی مانند سانسکریت، هندوایرانی، یونانی و لاتینی تکامل یافته است.

هیتیه‌ها در کتاب عهد عتیق (تورات) بیشتر به صورت یکی از چند طایفه‌ی دیده‌می‌شوند که اسرائیلیان، در زمانی که به ارض موعود رسیدند، آنها را در فلسطین ساکن یافتند. نام آنها در تورات در سفر پیدایش، باب پانزدهم، آیات ۱۲ تا ۱۹ آمده است و نیز در یوشع، باب سوم، آیه ۱۰ به چشم می‌خورد و نیز مطالب موجود در حزقیال نبی، باب شانزدهم، آیه ۳، مدلل می‌دارد که هیتیه‌ها یکی از طوایف اصلی فلسطین بوده‌اند. به هر حال «سرزمین هاتی» به صورتی که آن را در هزاره دوم پیش از میلاد می‌شناسیم دولت و بعدها امپراتوری بود که در بغازکوی به حکومت

پرداخته بودند و اکنون آنها را به هیتیها می‌شناسیم و نام هاتی به مردم پیشین همین اقوام و به سرزمین آنها داده شده است.

از بین لوحه‌های گل رس بسیاری که از دل خاک بیرون آمده است بعضی متضمن مطالب و مفاهیم حقوقی هستند. البته این لوحه‌ها کاملاً سالم نمانده‌اند (بدین لحاظ در برخی از موارد، ابهاماتی وجود دارد. دانشمندان سعی کرده‌اند که این مطالب را بخوانند و از موضوعات آن مطلع گردند. از مطالب یکی از این لوحها استنباط می‌شود که یکی از پادشاهان معروف هیتیایی اتباع خود را احضار می‌کند تا دو فرمان را صادر کند. فرمان نخست درباره انتخاب جانشین و فرمان دوم متضمن قانون جانشینی و اصلاح دستگاه قضائی بود. این دو فرمان اطلاعات گرانبهای درباره ترکیب ملت هیتی در اختیار ما می‌گذارد. در فرمان دوم دستور تشکیل انجمنی به نام «پانکوس» که مرکب از همه هیأت جامعه است را می‌دهد که به عنوان دادگاه عمل می‌کرده است، و به موردی اشاره شده است که در آن پانکوس سه کارمند دون پایه را به اتهام قتل دو نفر محکوم ساخته است. در این فرمان پادشاه ضمن محدود ساختن قدرت اشراف، دستور داد که پانکوس باید محرک جنایت را شخصاً تنبیه کند حتی اگر صاحب منصبی عالی‌رتبه یا حتی خود پادشاه باشد.

در میان طبقات اجتماعی هیتیایی وضع بردگانی که وابسته به خانواده‌های شهروندان توانگر بودند کاملاً روشن نیست. در جوامع باستانی، و همچنین در بابل، برده به منزله ثروتی برای صاحبش به شماره می‌رفت و او را مانند هر کالای دیگری خرید و فروش می‌کردند در جامعه هیتیایی اگر برده تنبلی می‌کرد و احترام به جای نمی‌آورد و ارباب را می‌رنجاند، یا او را می‌کشتند و یا به بینی و چشمها و یا گوشهایش آسیب می‌رساندند و هرگاه قرار می‌شد که بمیرد، به تنهایی کشته نمی‌شد، بلکه خانواده‌اش نیز مشمول مرگ می‌شدند.

پیداست که ارباب دارای حقوقی نامحدود بوده است. ولی در مجموعه قوانین

هیتیایی ارزش برده معادل نصف ارزش يك فرد آزاد بوده‌است و اگر کسی به برده شخصی، آزار می‌رساند، در این مورد، مجازات معمولاً درست نصف مجازات افراد آزاد به خاطر همان جرم بود هرچند این جرم، سبب نقص عضو شده‌باشد. در قوانین موادی نیز راجع به ازدواج میان بردگان و زنان آزاد وجود داشته‌است. گویی چنین ازدواجی غالباً روی می‌داده‌است و شخصی با این گونه حقوق، به مفهوم واقعی کلمه، برده نامیده نمی‌شد و وضع او تا اندازه‌یی شبیه توده مردم (موشکنو MUSKENU) در بابل در روزگار حمورابی بوده‌است.

در سرزمین هیتیها در شمال رودخانه کاپادوکس CAPPUDOX (دلیجه ایرماق)، بیشتر مردم توجه خود را به کشاورزی معطوف می‌داشتند و این مطلب با توجه به متون بازمانده تأیید می‌شود. منبع عمده ما برای درک ماهیت جامعه هیتیایی عبارت از مجموعه قوانینی است که نشان می‌دهد که اقتصاد آنها مبتنی بر کشاورزی بوده‌است همچنین فهرستهایی از کشتزارها و قباله‌های مفصلی شامل صورت‌برداری از املاکی در دست است که ظاهراً بسیار وسیع بوده‌اند. در زیر، عباراتی از مجموعه قوانینی که از متون بازمانده به دست آمده و زیربنای کشاورزی تمدن هیتیایی را نشان می‌دهد ذکر می‌گردد:

ماده ۷۵- اگر شخصی گاوی، اسبی، استری یا خری را قرض بگیرد و به خیشش بیند، و حیوان بمیرد، یا گرگی آن حیوان را پاره کند، یا اگر مفقود شود آن شخص باید بهای کامل آن را بپردازد، ولی اگر بگوید: «قسم به خدا که حیوان خودش مرد» در آن صورت سوگند پذیرفته می‌شود.

ماده ۸۶- اگر خوکی روی زمین خرمن، یا مزرعه یا باغ کسی برود و صاحب باغ یا مزرعه آن حیوان را طوری بزند که بمیرد، باید جسد آن حیوان را به صاحبش بدهد ولی اگر ندهد، دزدی کرده‌است.

ماده ۱۰۵- اگر کسی بیشه‌یی را آتش بزند و آن را به همان حال رها سازد و آتش

به تاکستان سرایت کند، اگر تاکها، درختان سیب و انار بسوزد، بابت هر درخت (۶) شکل shekel نقره بدهد و در مزرعه دوباره درخت بنشانند، اگر این شخص برده‌ای باشد، باید سه شکل نقره بپردازد.

ماده ۱۵۰- اگر کسی گاو شخم‌زنی کرایه کند بابت کرایه هر ماه آن باید يك شکل بپردازد.

ماده ۱۵۹- اگر کسی يك جفت گاواهن را آماده کار کند کرایه آن نیم «پاریسو parisu»^۱ جو است.

ماده ۹۱- اگر کسی گرده زنبور عسل از روی شاخه بدزدد، سابقاً می‌بایستی بابت آن يك مینا^۲ نقره بدهد، اکنون باید پنج شکل نقره بپردازد.

قوانین و سازمانها

در ویرانه‌های بغاز کوی، قطعات بسیاری از گل رس به دست آمده که قوانینی در آنها نوشته شده‌است. دو نوع مشخص از این الواح تقریباً کامل هستند، و متن آنها بیشتر با توجه به قطعات مشابه، بازسازی شده‌است. هر دو لوح دارای صد ماده است، و اگرچه خود لوحها به عنوان بخشهایی از يك اثر واحد به شماره نمی‌روند، این دو بیست ماده قانون، به‌طور کلی از سوی دانشمندان معاصر، به منزله يك سلسله متوالی محسوب و به‌منظور ارجاع، پشت سرهم شماره‌گذاری شده‌اند. لوحهای قطعه‌قطعه شده دیگر، بخشهایی از متن مشابه هستند که شمار اصلی آنها را بدقت نمی‌توان تخمین زد. به نظر می‌رسد که در بعضی موارد، قوانینی دیگر به آنها افزوده شده‌باشد.

بدین ترتیب، بایگانیهای هیتیایی چندین مجموعه را در برداشت که کاملاً به یکدیگر وابسته بودند ولی مشابهتی به هم نداشتند. در مجموعه‌های اصلی غالباً ذکر شده‌است که «سابقاً مجازاتی متداول بوده که پادشاه آن را اکنون تغییر داده و معمولاً از شدت آن کاسته‌است.» ظاهراً هیتیها در کهنه بودن قوانین خود در طی تدوین آنها، براساس

نیازهای متغیر، تردید نکرده‌اند. قوانین هیتیایی به صورت سازمان رو به رشدی بوده‌است و انواع مختلف مجموعه‌های قوانین، حاکی از مراحل متوالی در تکامل آن به شمار می‌رود. اما این لوحها دارای تاریخ نیستند، و احتمال دیگری وجود دارد بدین معنی که قانون در نقاط مختلف سرزمین آنها فرق می‌کرده‌است و بعضی از این آثار مسلماً کهنه‌تر هستند. این فرضیه با عبارت زیر از متنی تأیید می‌شود که حاوی دستورهایی به فرماندهان پادگانهای هیتیایی است:

«مانند کشورهای مختلف، نظارت بر جرایم بزرگ در گذشته اعمال شده‌است. در هر شهری که مجرم را اعدام می‌کردند باید حالا هم او را اعدام کنند، و به هر شهری که مجرم را تبعید می‌کردند باید اکنون نیز او را تبعید کنند». در هر صورت، ترتیب داخلی مجموعه قوانین، گواه قاطعی برای رشد تدریجی قانون به دست می‌دهد، و آن را می‌توان به طریق زیر خلاصه کرد:

مجموعه ۱- درباره انسان

قتل نفس	ماده ۱-۶
حمله و ضرب و شتم	ماده ۷-۸
مالکیت بردگان شامل مقررات مربوط به بردگان فراری	ماده ۱۹-۲۴
بهداشت	ماده ۲۵
ازدواج (موارد استثنایی)	ماده ۲۶-۲۶
قتل موجه	ماده ۲۷-۲۸
وظایف فتوئدالی مربوط به اجاره‌داری زمین	ماده ۳۹-۴۱
اجاره کردن برای عملیات جنگی (مسئولیت و نرخ قابل پرداخت)	ماده ۴۲
حوادث ناشی از عبور از رودخانه	ماده ۴۳
الف. قتل (هل دادن کسی به داخل آتش)	ماده ۴۴

ماده ۴۴	ب. آلودگی ناشی از جادوگری
ماده ۴۵	پیدا کردن اموال
ماده ۴۶-۵۶	شرایط اجاره‌داری زمین
ماده ۵۷-۹۲	دزدی و جرایم مربوط به گله
ماده ۹۲-۹۷	سرقت
ماده ۹۸-۱۰۰	تولید حریق عمدی

مجموعه ۲- دربارهٔ تاجکستان

ماده ۱۰۱-۱۱۸	جرایم مربوط به تاجکستانها و باغها
ماده ۱۱۹-۱۴۵	دزدی و خسارت رساندن به شکل‌های مختلف مالکیت
ماده ۱۴۶-۱۴۹	بی‌نظمی در امر خرید و فروش
ماده ۱۵۰-۱۶۱	نرخ‌های قابل پرداخت برای خدمات مختلف
ماده ۱۶۲	جرایم مربوط به ترعه‌ها
ماده ۱۶۳	جرم مربوط به گله
ماده ۱۶۴-۱۶۹	مقررات مذهبی مربوط به کشاورزی
ماده ۱۷۰	جادوگری
ماده ۱۷۱	محروم شدن از ارث توسط مادر
ماده ۱۷۲	غرامت جهت نگهداری جنس در زمان قحطی (احتکار)
ماده ۱۷۳	خودداری از پذیرفتن رأی دادگاه (بی‌اعتنایی به مراجع)
ماده ۱۷۴	آدمکشی
ماده ۱۷۵	ازدواج خلاف رسم
ماده ۱۷۶	الف. جرم در رابطه با گاو نر (نامفهوم)
ماده ۱۷۶	ب. ۱۸۶. فهرست قیمت‌ها

ماده ۱۸۷ - ۲۰۰ الف. جرائم مربوط به روابط جنسی

ماده ۲۰۰ ب. حق الزحمه مرسوم برای تعلیم دادن به شاگرد

از تشابه بسیاری از ماده‌های قوانین هیتیایی برمی‌آید که لوحهای موجود، مجموعه کامل قوانین آنها نیستند، بدین دلیل که این‌گونه فصلها مانند فصل مربوط به ازدواج درباره موارد استثنایی بحث می‌کند و پارهای موضوعات مهم مانند فرزندخواندگی، ارث و قوانین مقاطعه یکسره حذف شده‌است. اما شگفت‌انگیز خواهد بود اگر که با وجود باقی ماندن این همه قوانین، سایر مجموعه‌های قوانین بدون باقی گذاشتن اثری از میان رفته باشد. همچنین شواهدی در دست نیست که هیتیا تحت نظام قانون دیگری بوده باشند که اینها به عنوان ضمایم آنها به شمار آیند. به نظر می‌رسد که هیتیا درباره موضوعات دیگر به قانونگذاری نپرداخته‌اند، زیرا احتمالاً موجب اختلاف نمی‌شد و تحت ضابطه عرف مردم قرار داشت.

آیا می‌توان تصور کرد که این قوانین، تصویری واقعی از نظام قضائی هیتیایی به دست دهد. سؤالات مشابهی درباره مجموعه قوانین بین‌النهرین به عمل آمده‌است. اما در بابل و آشور، قراردادهای خصوصی بی‌شمار و گزارشهایی به دست آمده‌است که از آنها می‌توان دید تا چه حد قوانین واقعاً به کار می‌رفته‌است، ولی حتی یک سند خصوصی هیتیایی تاکنون یافت نشده که قوانین این مردم را با آن بتوان سنجید، بنابراین باید به شواهد موجود اکتفا کنیم. با چند استثنا، این قوانین به صورت موارد فرضی مدون شده‌اند و حکم مناسبی براساس مجموعه قوانین حمورابی و سایر قوانین باستانی به دنبال آن آمده‌است. بسیاری از آنها با توجه به غرابت آنها، و در برداشتن جزئیات نامربوط، معلوم می‌شود که از سوابق موجود در دادگاهها اخذ شده و تردیدی نیست که بخش اعظم مجموعه قوانین مزبور دارای این ماهیت بوده‌است.

مواد مربوط به قیمت‌های اجناس و میزان دستمزدها مسأله ویژه‌یی ایجاد می‌کند.

مشکل است باور کنیم که این احکام، اعتباری همگانی داشته باشد. این گونه قیمت‌ها لزوماً بر طبق عرضه و تقاضا تغییر می‌کند، و نظارت بر آنها مستلزم یک سازمان اداری بوده است که احتمالاً در آن روزگاران وجود نداشته است. احکام مشابه در مجموعه قوانین حمورابی با واقعیات قابل اجرا در قراردادهای تطبیق نمی‌کند. احتمالاً اینها به عنوان قیمت‌های حداکثر بوده‌اند که از آن نمی‌بایستی تجاوز کرده ولی بدون تردید، یک تصویر نسبتاً دقیقی از اوضاع اقتصادی به دست می‌دهد.

وسيله داد و ستد در کشور هیتیها، و در واقع، در سراسر جهان خاورمیانه در آن زمان، شمش یا حلقه‌های نقره (یا برای سکه‌های کوچکتر) به صورت میله یا حلقه بوده که ارزش آنها را با وزن آنها تعیین می‌کردند. هرچند روش بدوی‌تر محاسبه با مقادیر جو نیز گاهگاهی دیده شده است. واحد وزن عبارت از شکل و مینا (من) به نسبت ۴۰:۱ و در مقایسه با اندازه‌های بابلی و عبرانی به ترتیب ۱:۱٪ و ۵۰:۱ بوده است. بدین ترتیب، اگر وزن شکل همان مقدار بود که در بابل رواج داشت (۸/۴ گرم)، مینا در نزد هیتیها بمراتب سبکتر بوده است. این مطلب اشاره به (اوزان بزرگانان هیتیایی) را توجیه می‌کند که در یک عهدنامه‌پی برای وزن کردن باج و خراج تجویز شده است. در مجموعه قوانین، لوحه‌یی از قیمت‌ها وجود دارد که در زیر بخشی از آن آورده شده است:

۱- حیوانات اهلی

گوسفند	شکل ۱
بز	شکل ۲/۳
گاو	شکل ۷
اسب	شکل ۱۴
اسب سواری	شکل ۲۰ - ۳۰
گاو شخم‌زن	شکل ۱۵

گاؤ نر ۱۰ شکل
استر ۱ مینا (=من)

۲- گوشت

در این جا قیمتها به نسبت «گوسفند» تعیین شده است. هر چند چون يك گوسفند يك شكل می ارزد، ارقام یکسان خواهد بود.

گوشت يك گوسفند	يك دهم گوسفند
گوشت گاؤ	يك دوم گوسفند
گوشت بره	يك بیستم گوسفند
گوشت بزغاله	يك بیستم گوسفند
گوشت گوساله	يك دهم گوسفند

۳- پوست

پوست گوسفند با پشم	يك شكل
پوست گوسفند با پشم چیده شده	يك دهم شكل
پوست بز	يك چهارم شكل
پوست بز با پشم چیده شده	يك پانزدهم شكل
پوست گاؤ بالغ	يك شكل
پوست بره	يك بیستم شكل
پوست بزغاله	يك بیستم شكل
پوست گوساله	يك دهم شكل

۴- تولیدات کشاورزی

ارزش این مقادیر تعیین نشده است:

يك پاریسو PARISU شعیرابلیس	يك دوم شکل
يك زیپیتانی ZIPITTANI روغن	دو شکل
يك زیپیتانی کره	يك شکل
يك پاریسو جو	يك چهارم شکل
يك زیپیتانی بیه	يك شکل
يك زیپیتانی عسل	يك شکل
يك پاریسو شراب	يك دوم شکل
يك پنیر (?)	يك دوم شکل

۵- زمین

يك جریب زمین آبیاری شده شکل ۳

يك جریب زمین (حالانی^۲) شکل ۲

يك جریب تاكستان ۱ مینا

۶- جامه و پارچه

جامه ظریف شکل ۳۰

جامه پشمی آبی رنگ شکل ۲۰

سربند شکل ۱

پیراهن نازک شکل ۲

پارچه كتانی عریض شکل ۵

دادگاهها

بیشتر قوانین از داوری دادگاهها گردآوری شده است که عمدتاً به سبب فقدان

مدارك خصوصی، اطلاع ما درباره دادگاههای هیتیایی اندك است.

مرافعات در وهله اول نزد مشایخ فرستاده می‌شد که، شورای دولتی را در بسیاری از شهرهای کشور تشکیل می‌دادند. آنها نماینده مردم بودند و به این صورت دولت تنها به صورت غیرمستقیم با آنها سروکار داشت.

نماینده دولت در مسائل قضائی معمولاً یکی از صاحب‌منصبان پادشاه بود که وظایف او در لوحی آمده که نسبتاً خوب حفظ شده‌است. در زیر بخشی از این دستورها را می‌آوریم:

«به هر شهری که می‌روی، مردم آن را احضار کن. هر کس دعوی‌ای دارد در موردش فتوا بده و او را راضی کن. هرگاه برده شخصی یا مستخدمه کسی یا زن محرومی مرافعه‌یی دارد، درین باره نیز فتوا بده و آنها را راضی کن. دعوی خوب را بد، و دعوی بد را خوب جلوه نده. آنچه را که عادلانه است انجام بده.» از صاحب‌منصب انتظار می‌رفت که ضمن اجرای این وظایف، با اولیای محلی همکاری کند، همان‌گونه که در عبارت زیر دیده می‌شود:

«اکنون فرمانده پادگان، شهردار و مشایخ باید عادلانه قضاوت کنند، و مردم باید مرافعه‌های خود را نزد آنان بیاورند.» عبارت دیگر از همان متن، موقعیت پادشاه را به‌عنوان مرجع نهایی نشان می‌دهد. اگر مرافعه بسیار پیچیده بود آن را به شاه ارجاع می‌دادند. ظاهراً تصمیم پادشاه در موارد جادوگری و همه موارد مشتمل بر مجازات اعدام، لازم بوده‌است و دزدی بیش از دو تالان الوار نیز می‌بایستی به او ارجاع شود.

قدرت دادگاهها با تهدید شدیدترین مجازاتها علیه کسی ابقاء می‌شد که يك تصمیم قضائی را نقض می‌کرد:

«اگر کسی با داوری پادشاه به مخالفت بپردازد. خانه^۴ او ویران خواهدشد. اگر کسی با داوری يك صاحب‌منصب مخالفت کند، سر او بریده خواهدشد.» کلمه «صاحب‌منصب» ظاهراً يك لغت عمومی برای نمایندگان پادشاه است.

يك مورد برجسته رویه قضائی هیتها، عبارت از رنج فراوانی بوده که برای

تحقیق در جریانات می‌کشیدند. در موارد اختلاس و غفلت از انجام وظیفه یادداشتهای مفصل مفتشان را داریم که در نوشته‌های اقوام شرقی بی‌نظیر است و جنبه کاملاً جدیدی دارد و حاکی از یک روحیه پژوهش دقیق و بی‌طرفانه است که شاید به‌عنوان نمونه‌یی از دستگاه اداری هیتیایی تلقی گردد.

کیفر و غرامت

در یک جامعه کهن، مجازات مترادف با انتقام‌گیری است و محال است بتوان میان جرایم «مدنی» و «جنایی» فرق گذاشت. طرف زیان‌دیده تا آن‌جا که می‌تواند از خاطی انتقام می‌گیرد و اگر کشته شده باشد انتقام‌گیری وظیفه خویشان او خواهد بود، و در نتیجه، جنگهای قومی در می‌گیرد. اما مرافعه ممکن است با پرداخت پول در صورت توافق طرفین فیصله پذیرد. چنین پولی دیه نامیده می‌شود.

دولت در وهله اول متعهد به حفظ قانون و نظم است، و بنابراین، باید در آغاز سعی کند که برای انتقام‌گیری خصوصی حدی قایل شود و سرانجام آن را رویهمرفته از بین ببرد. (قانون قصاص) چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان احتمالاً نخستین قدم در این فرایند بود: طرف زیان‌دیده نباید زیانی بیشتر از آنچه خود دیده‌است برساند. کیفر تا جایی مفید است که به عنوان بازدارنده به کار برده شود، در صورتی که خود خطا تنها به وسیله پرداخت غرامت یا تاوان به طرف آسیب‌دیده جبران می‌شود. بالاخره عامل سوم یعنی مصالحه را می‌توان مطرح ساخت.

در این باب، قوانین هیتیایی نسبتاً پیشرفته است. کیفر به نسبت غرامت سهم‌ناچیزی دارد. تنها جرایم مهم عبارت بودند از تجاوز به عنف، برقرار کردن روابط جنسی با حیوانات، و مخالفت با قدرت دولت. همچنین، اگر خاطی برده‌ای باشد، تمرد از فرمان ارباب و جادوگری. ایجاد نقص عضو، که مجازاتی معمولی در قانون آشوری بود، در این جا برای بردگان در نظر گرفته می‌شد. درباره سایر جرایم افراد آزاد، مانند

جرائم حمله، جادوگری، قتل، دزدی و هرگونه آسیب‌رسانی به ثروت، غرامت یا استرداد در نظر گرفته می‌شود. کیفر تنها در موردی است که از خاطی خواسته می‌شود، چند برابر ارزش آسیبی را که رسانده‌است بپردازد.

نمونه‌های تاوان جنسی عبارت از ساختن مجدد خانه‌ای است که از حریق زیان‌دیده، و تعویض يك كالای آسیب‌دیده با كالای سالم، ولی معمولاً غرامت با پول (نقره) بود. در زیر بعضی از نمونه‌ها آورده می‌شود:

«ماده ۱۱- اگر کسی بازو یا پای کسی را بشکند، باید به او بیست شکل نقره بپردازد و او (شاکی) آن را می‌تواند مطالبه کند.

ماده ۱۲- اگر کسی بازو یا پای کنیز یا غلامی را بشکند ده شکل نقره می‌پردازد و او (شاکی) آن را می‌تواند مطالبه کند.

ماده ۶۳- اگر کسی يك گاو شخم‌زن را بدزد، سابقاً پانزده گاو می‌داد ولی اکنون ده گاو می‌دهد. سه گاو دو ساله، سه گاو یکساله و چهار گاو از شیر گرفته، و او (شاکی) آن را می‌تواند مطالبه کند.»

جالب توجه خواهد بود که قوانین مربوط به آدمکشی را با سایر مجموعه‌های قوانین باستانی مقایسه کنیم. در همه موارد، غرامت توصیه شده، و نرخ غرامت کشتن يك برده همیشه دقیقاً نصف نرخ کشتن يك انسان آزاد بوده‌است. قوانین مربوط به انسان آزاد از قرار زیر است:

«ماده ۱- اگر کسی مردی یا زنی را در مرافعه بکشد باید با دادن چهار نفر، مرد یا زن (به ترتیب) تلافی کند، و او (وارث مقتول) آن را برای خانواده خود مطالبه می‌کند.

ماده ۳- اگر کسی مرد یا زنی آزاد را بزند و آنها بمیرند، اگر با دستش به تنهایی ضربه وارد آورده باشد باید به جبران آن، دو نفر را بدهد و او (وارث مقتول) آن را برای خانواده خود مطالبه می‌کند.

ماده ۵- اگر کسی يك بازرگان هیتیایی را بکشد (۱/۵) من نقره باید بپردازد و او (وارث مقتول) به قاتل اجازه می‌دهد که به خانه بازگردد.

ماده ۶- اگر شخصی، خواه مرد، خواه زن، در شهر دیگر کشته شود، مردی که قتل بر روی زمین او اتفاق افتاده است، باید صد ارش زمین بدهد و او (وارث) آن را می‌گیرد.»

در مورد دو ماده آخر، متن متفاوتی وجود دارد:

«ماده سوم - اگر کسی يك تاجر هیتیایی را به خاطر کالاهایش بکشد، باید... مینا نقره بدهد و سه برابر آن را بابت کالاهای مزبور بپردازد. اما اگر کالایی ندارد ولی او را در مراغه بکشد، شش مینا نقره باید بپردازد. اگر دست راست او (به تنهایی) مقصر باشد، دو مینا نقره باید بدهد.

ماده چهارم - اگر کسی بر روی زمین بیگانه‌یی کشته شود، هرگاه مردی آزاد باشد، او (مالک زمین) باید يك مزرعه، يك خانه و يك مینا و بیست و پنج شکل نقره بدهد، اگر زنی باشد، قاتل باید سه مینا نقره بپردازد. اما اگر در زمین زراعتی نباشد، و ملک شخص دیگر باشد باید تا مسافت سه مایل از این سو و آن سو گرفته شود و در هر دهکده‌یی که در آن یافت شود او (وارث مقتول) همان مقدار زمین را بگیرد، اگر دهکده‌یی بنا شده است خالی بازمی‌گردد.»

در مواد هر دو گونه قانون، تشخیص دقیقی میان قتل عمد و قتل غیر عمد داده شده است، اما عجب آن که تنها موردی که می‌توانیم به عنوان قتل عمد ذکر کنیم، در رابطه با تاجر است که به نظر می‌رسد مورد خاصی باشد، و مربوط به انگیزه دزدی است. فقدان يك ماده ویژه مربوط به قتل هم در مجموعه قوانین حمورابی، و هم در قوانین آشوری، ملاحظه شده است. در این که نزاع خانوادگی هنوز در دولت قدیم هیتی باقی بوده از عبارات زیر در فرمان تلی پینوس پادشاه مستفاد می‌شود:

«قانون خون از قرار زیر است: هرکس خون دیگری را بریزد هرگاه ولی خون بگوید او باید بمیرد، باید چنین شود، ولی اگر بگوید باید دیه بپردازد مجبور است که چنین کند.» رسم دادن نفر به عنوان جبران قتل، قابل توجه است و این کار به طور عموم در مورد بردگان اجرا می‌شد.

این که نزدیکترین دهکده، مسؤول پرداخت غرامت به خانواده مقتول در صورت فرار قاتل باشد، رسم متداولی در سرزمینهای شرقی بوده است. در مجموعه قوانین حمورابی موارد مشابهی دیده می شود.

مسئولیت دسته جمعی

آثار خونخواهی خانوادگی در جوامع بدوی، در جامعه هیتیایی نیز پابرجا بود. این عقیده به همان رسم وابسته است که گناه، مربوط به همه افراد خانواده خطای می شود، و خانواده او در مجازات شریک می گردند. در جامعه هیتیایی «اگر برده قرار است بمیرد، نباید به تنهایی بمیرد، بلکه مرگ شامل خانواده او نیز می شود.»

ازدواج و خانواده

سازمان خانواده که در سراسر قوانین هیتیایی به چشم می خورد، از گونه پدرسالاری معمول است. تسلط مرد بر کودکانش با این ساده نشان داده می شود که باید پسری را به جای مردی که کشته است تسلیم کند. می دانیم که در بعضی از بخشهای آسیای صغیر، به ویژه در میان لوکیاییها Lycians رسم احترام به مادر در روزگار هرودوت وجود داشت، و امکان دارد که بعضی از امتیازات زنان هیتیایی حاکی از این روش بدوی تر بوده باشد.

مراسم ازدواج هیتیاییها شباهت زیادی به مراسم بابلیها داشته است. ازدواج معمولاً همراه با هدیه‌یی نمادین (به هیتیایی کوساتا kusata) از سوی داماد بود و دقیقاً به ترحاتو terhatu در نزد بابلیان شباهت داشت، در همان زمان، عروس جهیزی (به هیتیایی ایوارو Iwaru) از پدر خود دریافت می داشت. اگر پس از این، داماد از ازدواج خودداری می کرد، یا خانواده عروس مخالفت می ورزیدند، این امر به منزله عدم اجرای قرارداد به شماره می آمد. نامزدی ملغی می شد و طرف خطاکار جریمه می پرداخت. پس از ازدواج زنا از طرف زن مستوجب مرگ می شد.

قانون دارای مقررات مفصلی مربوط به منع ازدواج با خویشان نزدیک بود. در میان این مقررات، ماده ۱۹۳ می‌گوید که اگر مردی بمیرد، بیوه‌اش باید اول با برادرشوهر ازدواج کند و بعد (احتمالاً اگر این برادر هم بمیرد)، با پدرشوهر و اگر پدر نیز بمیرد، با برادرزاده شوهر باید ازدواج کند. قانون مزبور به‌طور قابل ملاحظه‌یی شبیه قانون ازدواج عبرانیان است که براساس آن، اگر شخصی بدون فرزند می‌مرد، وظیفه برادرش یا وظیفه پدرش یا نزدیکترین فرد باقی‌مانده قبیله‌اش بود که با آن بیوه ازدواج کند و فرزند آنها نام مرد متوفی را به خود بگیرد و وارث او بشود. همچنین ماده ۱۹۰ می‌گوید که ازدواج با مادرخوانده، پس از مرگ پدر، مجازاتی ندارد، ولی این احتمالاً رسمی را نشان می‌دهد که در میان اقوام کهن متداول بوده که بدان وسیله پسران، همسران پدران خود را به ارث می‌بردند. (به استثناء مادر خود آنها).

ازواجی که در آن یکی از طرفین برده بوده از سوی هیتیهها معتبر شناخته نمی‌شد. با وجود این، شش قانون مربوط به تنظیم این‌گونه ازدواجها در دست است، ولی گونه‌های مختلف آنها در این باره به طرزی شگفت‌انگیز متناقض است.

زمینداری

زمینداری در میان هیتیهها وابسته به یک روش پیچیده مطالعات و خدمات فتوایی بوده که جزئیات آن به هیچ وجه روشن نیست. از آنجا که مجموعه قوانین دارای چهارده ماده در این باب است، شاید بتوان نتیجه گرفت که زمینداری موجب مراعات بسیار می‌شده است. دو نوع زمینداری تشخیص داده می‌شود: اجاره‌داری رعیت و اجاره‌داری ابزارمند و شخص اخیر را آزادانه خرید و فروش می‌کردند. ولی به‌نظر می‌رسد که باید منظور، رعیت بوده باشد و بدین ترتیب، می‌توانست فقط تحت جعل قضائی فرزند خواندگی از شخصی به شخص دیگر منتقل گردد. مطالب زیادی درباره موضوع مزبور بر این فرضیه نگاشته شده است که ابزارمند سربازی است که ملک را

به شرط ارائه خدمات نظامی تحویل می‌گرفت و این امر بنا بر روشی است که حمورابی در لارسا (larsa) برقرار ساخته بود.

تنها فرق میان این دو نوع مالکیت این بود که رعیت سند خود را از پادشاه، و ابرامند از مراجع محلی دریافت می‌داشتند، زیرا پس از فوت رعیت، ملک به پادشاه منتقل می‌شد، در صورتی که زمین یک ابرامند متوفی به دهکده داده می‌شد. در اصل، به نظر می‌رسد که رعیت ملک خود را تحت شرایط خدمت کردن (به هیتیایی، ساحان (sahhan) در دست داشت، که غالباً به نوعی اجاره‌داری مبدل می‌شد. در صورتی که ابرامند در مسؤلیت اکثر شهروندان عادی در مورد بیگاری (به هیتیایی لوزی (luzzi) به عهده داشت.

املاک سلطنتی حتماً بسیار گسترده بوده‌است، زیرا بسیاری از تیولهای تحت مالکیت افراد، بسیار وسیع بودند. در میان زمینداران بزرگ باید از معابد یاد کرد که بعضی از آنها دولتهایی را در درون کشور تشکیل می‌دادند. همچنین املاک خود را به کشاورزانی واگذار می‌کردند که مال الاجاره زمین را به صورت جنس می‌پرداختند.

تمدن هیتیها بیشتر از لحاظ جنبه‌های مربوط به طبقه حاکمه، یعنی در نبوغ نظامی، سازمان سیاسی، قانونگذاری و دادگستری پیشرفته بود. اصل و منشأ خط میخی هیتیایی، نوشته‌های هیروگلیف و شناسایی کامل خط اخیر، رابطه تاریخی مجموع قوانین هیتیایی با مجموعه قوانین بین‌النهرین، و بالاتر از همه، ترسیم یک نقشه

پاورقی

- ۱- نام واحد مقیاس وزن در هیتیایی.
- ۲- mina ، همان (من) است که در اوزان به کار می رود و مقدار آن البته در آن زمان با واحد وزن امروز فرق داشته است.
- ۳- معنی حالانی معلوم نیست.
- ۴- احتمالاً کلمه خانه باید به معنای خاندان باشد و این عبارت ممکن است به مجازاتی مانند مجازات در صحیفه یوشع، باب هفتم، آیات ۱۶ - ۲۶ اشاره کند.

کتابنامه

Hoffnher, H.A. The laws of the Hittetes (Dissertation, Brandeis University, 1963).

Walther. A. in J.M.P smithe, the origin and History of Hebrew Law. chicago, 1931).

Guterbook, H.G. the Hittete ver5sion of the Hurrion Kumarbi myths, Oriental Foreunners of Hesiod American journal of Archaeology, Lii, 1948.

Hoffner, H.A. Hittite Mythological texts. A survey in unity and Diversity, Bal timore, 1975.

* * *

از آفتهای زبان

آفت چهارم خصومت اندر مال کردن چون پیش قاضی رود یا جای دیگر. و آفت این عظیم است.

رسول (ص) می‌گوید: «هر که بی‌علم با کسی خصومت کند اندر سَخَطِ حق تعالی- بود تا آنگاه که خاموش شود.» و چنین گفته‌اند که «هیچ چیز نیست که دل را پراکنده کند و لذت عیش ببرد و مروت دین ببرد چنانکه خصومت اندر مال کردن.» و گفته‌اند که هیچ وِرَعِ خصومت نکند اندر مال، بدان سبب که بی‌زیادتی گفتن خصومت به سر نشود و وِرَعِ زیادتی نگوید، و اگر هیچ چیز نبود باری با خصم سخن خوش نتواند گفت و فضلِ سخن خوش گفتن بسیار است. پس هر که را خصومتی باشد: اگر تواند، مهم بود دست برداشتن؛ و اگر نتواند، باید که جز راست نگوید و قصد رنجانیدن نکند و سخن درشت نگوید و طلب زیادت نکند که این همه هلاک دین بود.

امام محمد غزالی طوسی، احیاء العلوم ج ۲ ص ۷۱